

نتایج ظهورات الهیه

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



نتایج ظهورات الهیه

آئینی که بنام حضرت بهاءالله معروف است هر گونه قصدی را دایر بر حقیر شمردن انبیاء سابق و استخفاف تعالیم آنها و کمترین اقدام برای مکدر ساختن فروع شرایع آنها یا خارج کردن محبت آنها از قلوب مومنین یا نسخ اصول عقاید آنها یا ترک هر یک از کتب نازلہ آنها یا اتحاد تمایلات حقہ پیروان آنها مردود میشمارد. حضرت بهاءالله با اینکه ادعای هر یک از اهل ادیانرا دایر بر اینکه آن دین آخرین ظهور الهی برای انسان است رد میکند و برای شریعت خود هم ختمیت قائل نیست در عین حال این اصل اساسی را تعلیم میفرماید که حقیقت دین نسبی است و ظهورات الهیه متتابع و تطور دینی رو بارتقاء است. مقصد آنحضرت آنست اصولی که در ادیان دیگر نازل شده توسیع و اسرار کتب مقدسه را کشف فرماید. اذعان بلا شرط وحدت مقاصد آنها را تاکید مینماید و حقایق ازلیه مکنونه آنها را تکرار و ماموریت آنها را بیکدیگر مرتبط و میان تعالیم اصلیه و معتبره و فرعیه و افکیه آنها فرق میگذازد و حقایق ملکوتیه را از خرافات علماء متمایز ساخته و بنا براین ممکن بودن حتی ضرورت توحید ادیان و انجام اعظم آمال آنها را اعلام و نبوت میفرماید.

اما درباره حضرت محمد رسول الله هر یک از مومنین آن که این صفحات را میخواند نباید آنی تصور نماید که اسلام یا پیغمبر آن یا کتاب و اوصیای معینه اش با هیچیک از تعالیم معتبره اش وجها من الوجوه حتی بکمترین درجه مورد اهانت قرار گرفته یا قرار گیرد. نسب حضرت باب که ذریه امام حسین بوده و شواهد مختلف و برجسته مذکوره در تاریخ نبیل درباره روش و سلوک مبشر دیانت ما نسبت بموسس و ائمه و کتاب اسلام و تکریمات جلیله ای که حضرت بهاءالله در کتاب ایقان درباره حضرت محمد و اوصیای حقہ او مخصوصا امام حسین فرید و وحید فرموده و براهینی که حضرت عبدالهء در کلیساها و کنیسه ها با کمال استحکام و بیپروائی علی روس الاشهاد برای اثبات حقایق دیانت پیغمبر عربی اقامه فرموده و در رتبه آخر ولی مهم شهادت کتبی ملکه رومانی که در ظل مذهب انگلیکن تولد یافته و با وجود بستگی نزدیک دولتش بکلیسای ارتودوکس یعنی دیانت رسمی مملکت اختیاری او بیشتر به واسطه قرائت خطابات عمومی حضرت عبدالهء بر آن شده که اذعان خود را برسالت حضرت محمد اعلام نماید تمام اینها بدون هیچگونه شک و تردید نظر حقیقی آئین بهائی را نسبت به دیانت اسلام معلوم و مشهود میسازد. آن مقام شاهانه چنین شهادت میدهد " آثار باهره اش در جمیع اشیاء موجود و قوه معنویه اش در کلیه ممکنات مشهود و مودوع ... ندای غیبی است که ما را در اعماق قلب صلا میزند و راه هدایت را از طریق ضلالت نشان میدهد. لکن چون اکثر نفوس از این آواز غیبی و ندای درونی ذاهل و غافلند خداوند بصرف فضل و عنایت وجودات مقدس را مامور و در بین خلق مبعوث فرموده تا آنکه



TRANSLATION



AUDIO

کلمه اش را در امر حق ظاهر و حقیقت آنرا بر نفوس بشری واضح و لائح سازند ظهور انبیای گرام ظهور حضرت مسیح حضرت رسول و حضرت بهاءالله کلا لاجل این مقصد اعز اعلی بوده زیرا در هر عصر و زمان نوع بشر بنده الهی و نباء ربانی که خلق را بطریق حقیقت ارشاد و مفهوم حقیقی الوهیت را بر او مکشوف و عیان سازد محتاج و نیازمند است اینستکه این ندای ربانی و صوت مقدس بلسان الهی در هیکل بشری انبیای عظام ساری و جاریست ظاهر میشود تا نفوس انسانی بآذان عنصری اصغاء و حقیقت آنرا درک نمایند . (ترجمه)

اکنون بجاست سؤال شود که برای اعتراف پیروان حضرت بهاءالله نسبت بمقام ارجمندی که حضرت محمد رسولالله در میان تمام سلسله انبیای الهی داشته چه دلیل بزرگتری لازم دارند ؟ و آیا این علماء چه خدمت بزرگتری توقع دارند که ما نسبت بدیانت اسلام بنمائیم ؟ چه شاهد بزرگتری از شایستگی ما بالاتر از این میخواهند که در مقاماتی که از دسترس آنها بکلی خارج است ما شعله ایمان حقیقی و پر شراره برمیافزایم که بحقیقت رسل الله شهادت داده و از قلم چنین ملکه اعتراف علنی که حقیقة تاریخیست درباره مبعوثیت آن حضرت من جانب الله بدست میاوریم . اما درباره مقام مسیحیت میتوان بدون ابهام و تردید اظهار داشت که مبداء ملکوتی آن دیانت بدون هیچگونه قید و شرط مورد اعتراف است و مقام ابن اللهی و الوهیت حضرت مسیح بی پروا تصدیق گردیده و نزول انجیل بالهام الهی کاملاً شناخته شده و بحقیقت رمز طهارت مریم عذرا اقرار شده و جانشینی پطروس سرور حواریون تأیید و حمایت شده است.

موسس دیانت مسیحی از طرف حضرت بهاءالله بعنوان روح الله توصیف شده و بکسیکه ” از نفخه روح القدس ظاهر شده “ تعریف گردیده و حتی بعنوان جوهر روح ستوده شده است . مادر آن حضرت بعنوان (طلعت مستوره باقیه) (ترجمه) و مقام خود آنحضرت چنین توصیف شده ” مقامی مقدس از ظنون من علی الارض “ (ترجمه) در حالیکه پطرس بمنزله کسی شناخته شده که خداوند اسرار حکمت و بیان از لسان او جاری کرده. حضرت بهاءالله در جای دیگر شهادت داده ” ثم اعلم بان الابن اذا سلم الروح قد بکت الاشياء كلها و لكن بانفاه روحه قد استعد کل شیء کما تشهد و تری فی الخلاق اجمعین . کل حکیم ظهرت منه الحکمة و کل عالم فصلت منه العلوم و کل صانع ظهرت منه الصنائع و کل سلطان ظهرت منه القدرة كلها من تأیید روحه المتعالی المتصرف المنیر و نشهد بانه حین اذ اتی فی العالم تجلی علی الممکات و به طهر کل ارض عن داء الجهل و العمی و برء کل سقیم عن سقم الغفله و الهوی و فتحت عین کل عمی و تزکت کل نفس من لدن مقتدر قدیر ... انها لمظهر العالم طوبی لمن اقبل الیها بوجه منیر.“

البته شروط اساسی پیوستن یهودیان و زرتشتیان و هندوها و بودائیها و سایر پیروان دیانتهای عتیق و همچنین کفار و حتی مشرکین بدیانت بهائی قبول وجدانی و بلا شرط مبداء ملکوتی شرایع اسلام و عیسوی و رسالت حضرت رسول و مسیح و حقانیت سلسله امامت و جانشینی پطرس مقدس سرور حواریون است اینها هستند مبادی اساسی و محکم و لا یتغیری که پایه عقیده بهائی بر آن استوار است و دیانت بهائی بشناسائی آن افتخار میکند و مبلغین آن اعلام میدارند و حامیان آن میستایند و نشریات آن اعلان میکنند و مدارس تابتانی آن شرح میدهد و بالاخره جمهور پیروان آن با کردار و گفتار آنرا بثبوت میرسانند .

همچنین نباید تصور کرد که پیروان حضرت بهاءالله در صدد تنزل و حتی تخفیف مقام روسای ادیان دنیا اعم از مسیحی و مسلم دیگران هستند مشروط بر آنکه روش و عمل آنها با آنچه تعلیم میدهند مطابقت کند و لایق مقامی باشند که اشغال کرده اند .

حضرت بهاء الله میفرماید "علمائیکه فی الحقیقه بطراز علم و اخلاق مزینند ایشان بمثابة راستد از برای هیکل عالم و مانند بصرند از برای امم لا زال هدایت عباد بآن نفوس مقدسه بوده و هست" و همچنین میفرماید "عالم عامل و حکیم عادل بمثابة روحند از برای جسد عالم طوبی از برای عالمیکه تارکش بتاج عدل مزین و هیکلش به طرازانصاف" و همچنین میفرماید "عالمیکه رَحِیق اقدس را باسم مدیر اعلی گرفت و نوشید بمثابة چشم عالم است خوشا بحال آنانکه او را اطاعت کرده و پیاد آورند" (ترجمه) و در مقام دیگر میفرماید "طوبی لعالم ما جعل العلم حجابا بینة و بین المعلوم و اذ اتی القیوم اقبل الیه بوجه منیر انه من العلماء یتبرک بانفاسه اهل الفردوس و یتسّی من نبراسه من فی السموات و الارضین انه من ورثة الانبیاء من راء قدرای الحق من اقبل الیه اقبل الی الله العزیز الحکیم" و نیز میفرماید "احترموا العلماء بینکم الذین یفعلون ما عملوا و یتبعون حدود الله و یحکمون بما حکم الله فی الکتاب فاعلموا بانهم سرج الهدایة بین السموات و الارضین ان الذین لن تجدوا للعلماء بینهم من شان و لا قدر اولئک غیروا نعمة الله علی انفسهم".

یاران عزیز من در صفحات پیش سعی کردم این بلای جهانگیری که نوع بشر را فرا گرفته در مرحله قضای الهی بر ضد مردم روی زمین تصویر نمایم همان مردمی که مدت یک قرن از شناختن کسیکه ظهورش را تمام ادیان وعده داده و تنها با ایمان بدیانت وی تمام ملل میتوانند و عاقبت مجبورند نجات حقیقی خود را بجویند امتناع ورزیدند.

همچنین بعضی فقرات حضرت بهاء الله و حضرت باب را که کاشف کیفیت و مخبر علت وقوع این بلای مبرم الهی است نقل نمودم و آلام و مصائبی که دیانت بهائی و مبشر و موسس و ممثل آن تحمل کرده اند شمردم و عدم موفقیت اسف آور قاطبه نوع بشر و روسای آنرا بیان نمودم که نسبت باین رزایا اعتراض ننموده و دعاوی کسانی که متحمل این صدمات شده اند نشناختند. بعلاوه معلوم داشتم که مسئولیت مستقیم و هولناک و حتمی بعهده آن سلاطین ارض و روسای دینی جهان وارد است که در زمان حضرت باب و حضرت بهاء الله زمام امور سیاسی و مذهبی را در حیطه اقتدار خود داشتند باز من سعی کردم نشان بدهم که چگونه در نتیجه خصومت و معارضه مستقیم و جدی بعضی از آنها نسبت بامر بهائی و غفلت بعضی دیگر از وظیفه مسلم خود که حقیقت و دعاوی آنرا تحری ننموده و از بیگانهی آن دفاع نکرده و مظلوم وارده بر آنرا انتقام نکشیدند.

سلاطین و روسای دینی بشکنجه و عقوبت تلخی گرفتار شده اند و این بمقتضای قصور از وظائف و ارتکاب بمناهی است که بر آنها وارد شده و هنوز میشود و بمناسبت مسئولیت بزرگی که در نتیجه حکمفرمائی مسلطی که بر رعایا و پیروان خود داشته اند من مفصلا از پیامها و خطابات تشویق آمیز و عتاب انگیزی که از طرف موسسین دیانت ما بآنها خطاب شده نقل نمودم و درباره عواقبی که از این بیانات خطیره تاریخیه پدید آمده بسط کلام دادم.

این مصیبت قصاص آمیز که باید در رتبه اول فرمانروایان بزرگ دنیا اعم از مدنی و دینی مسئول آن شناخته شوند بطوریکه حضرت بهاء الله شهادت میدهد هرگاه صحیحا این مصیبت را تعمن کنیم نباید تنها تنبیه الهی برای دنیائی بشمار رود که مدت یک قرن در امتناع از قبول حقیقت پیام نجات دهنده خود پا فشاری کرده پیامی که مظهر کلی الهی برای این روز آورده است و در رتبه کمتر نیز باید آنرا مجازات الهی دانست برای نافرمانی که نوع انسان بطور کلی خود را از موهبت مبادی اصلیه محروم ساخته که باید لا زال بر حیات و ترقیات نوع بشر حکمفرمائی کرده و یگانه ضامن ترقیات بشر میتواند باشد افسوس که نوع انسان با اصراری روز افزون بعوض شناسائی و پرستش روح الهی که الیوم در دین الله ظاهر شده ترجیح داده که آن بتهای دروغی خواه غیر حقیقی و خواه نیمه حقیقی را پرستش کند یعنی همانهایی که

نورانیت ادیانرا مکدر و حیات روحانی جهانرا فاسد و موسسات سیاسی آنرا متشنج و دستگاه اجتماعی آنرا مشوش و ساختمان اقتصادی آنرا متلاشی ساخته اند اهل ارض نه تنها غفلت کرده اند و بعضی از آنها حتی بر امریکه در عین حال جوهر و موعود و مصلح و متحد کننده تمام ادیان است هجوم برده اند بلکه از دیانت‌های خود نیز منحرف شده و بر مقامات مقدسه واژگون شده خود خدایانی قرار داده اند که نه تنها کاملاً مغایر روح دیانت آنهاست بلکه با آداب و سنن دیانت قدیم آنها نیز منافات دارد حضرت بهاءالله در مقام تحسر میفرماید.

”وجهه عالم تغیر یافته صراط الهی و دیانت الهی قدر و منزلت خود را در نظر مردم از دست داده است“ (ترجمه) در جای دیگر میفرماید ”روح خدا پرستی مردم در هر اقلیمی رو بزوال میرود“ (ترجمه) ”فساد غفلت از خدا ارکان جامعه بشریت را رو بفنا میرد“ (ترجمه) او تاکید میفرماید ”آست دین سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان ... آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالآخره هرج و مرج است“ و همچنین ”دین نورست مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم“ و بمناسبتی دیگر میفرماید ”همچنان که هیکل انسان لباسی برای پوشش میخواهد بهمان قسم هیکل نوع بشر احتیاج دارد که برداء عدل و حکمت مزین گردد جامه آن شریعتی است که خداوند بآن عطا کرده است“ (ترجمه)